



مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادیانی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا پورپور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی یاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions

آسیب‌شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها

Mahdi Mozafari Anari

Master of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran (Corresponding Author)

Mohammad Amini Zadeh

Assistant Professor of Law, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Ali Arefi Maskoni

Assistant Professor of Law, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

مهدی مظفری اناری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

Mahdi.mozafari@flt.uk.ac.ir
<http://orcid.org/0000-0003-2630-9463>

محمد امینی زاده

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
m.amini@uk.ac.ir

علی عارفی مسکونی

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
arefi@uk.ac.ir

Abstract

In order to protect the privacy of the family institution and prevent the violation of rights and duties by its members, fifth book of the Islamic Penal Code adopted in 1996 has criminalized a range of behaviors in this area. The criminalization of these behaviors alone is not true to its purpose and requires careful consideration and deep attitude in determining the guarantee of proper criminal execution in order to make the criminal regulation more effective and better. Examining these criminal titles, there are harms that are contrary to the philosophy of punishment in the institution of the family; In other words, the criminal title includes the guarantee of criminal execution in order to protect and maintain the family, while the adoption of some disproportionate punishments is not only not helpful but also complicates the current situation. For this purpose, the present study, which has been written by descriptive, analytical and applied methods, seeks the pathology of punishment in criminal titles in the field of family to identify, count and describe the existing harms based on the general principles governing punishment and the purposes of the punishments are achieved, convincing, comprehensive and practical solutions have been achieved. Obviously, the purpose is to adopt comprehensive and preventive approaches, strategies and approaches from the heart of harms, and at the same time, special attention should be paid to the rights of the offender, the victim and the institution of the family.

Keywords: Pathology, Determining the Punishment, Family Crimes, Rights and Duties of Family Members, Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996.

چکیده

در راستای صیانت از حریم نهاد خانواده و پیشگیری از نقض حقوق و تکالیف توسط اعضای آن، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ طیفی از رفتارهای ارتكابی در این حوزه را جرم‌انگاری نموده است. جرم‌انگاری این رفتارها به تنهایی وافی به مقصود نیست و دقت نظر و نگرش عمیق در تعیین ضمانت‌اجرای متناسب کیفری برای اثرگذاری بیشتر و بهتر مقرر کیفری لازم و ضروری می‌نماید. با بررسی عناوین مجرمانه مزبور، آسیب‌هایی به چشم می‌خورد که با فلسفه وضع کیفر در نهاد خانواده مغایر است؛ به تعبیر بهتر وضع عنوان مجرمانه مشتمل بر ضمانت‌اجرای کیفری در راستای حفظ و تداوم خانواده بوده است و حال آن که اتخاذ پاره‌ای مجازات‌های نامتناسب نه تنها راهگشا نبوده بلکه وضع موجود را نیز پیچیده‌تر می‌کند. به همین منظور پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و کاربردی نگارش یافته است، در صدد آسیب‌شناسی کیفر در عناوین مجرمانه وضع شده در حوزه خانواده است تا ضمن شناسایی، احصاء و تشریح آسیب‌های موجود که مبتنی بر اصول کلی حاکم بر کیفر و اهداف کیفرها صورت می‌گیرد به راهکارهایی متن، همه‌جانبه و کاربردی نائل گردد. بدیهی است هدف آن است تا از بطن آسیب‌ها، راهکارها و رویکردهایی جامع و مانع اتخاذ شود و درعین حال توجهی ویژه به حقوق بزه‌کار، بزه‌دیده و نهاد خانواده صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، کیفرگذاری، جرایم خانوادگی، حقوق و تکالیف اعضای خانواده، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.

Received: 2022/02/09 - Review: 2022/05/01 - Accepted: 2022/06/02

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۹ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

ارجاع:

مظفری اناری، مهدی؛ امینی‌زاده، محمد؛ عارفی مسکونی، علی؛ (۱۴۰۱)، آسیب‌شناسی کیفر‌گذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

خانواده مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی به شمار می‌رود که در رشد و تعالی اعضای خود به‌خصوص فرزندان نقش آفرینی وافری دارد. در حقیقت در دین مبین اسلام اصالت با نهاد خانواده بوده و در محور امور و تصمیمات قرار گرفته است. به منظور صیانت، پاسداری و حفظ حریم خانواده، قانون‌گذار کیفری در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با نگاهی مثبت به حوزه رفتارهای ناقض حقوق و تکالیف اعضاء ورود نموده است، اما صرف وضع عنوان مجرمانه کافی نیست و پاسخ‌شناسی صحیح و متناسب به جرایم موصوف در این حوزه نیز از اهمیت زیادی برخوردار است؛ اهمیتی که کمتر از جرم‌انگاری آن‌ها نخواهد بود. متأسفانه فقدان اصول، الزامات و سیاست‌های کلی در کیفر‌گذاری در قوانین موضوعه در نظام حقوقی موجود، استفاده از یک سری مجازات‌های کلیشه‌ای و متداول چون حبس در اکثریت عناوین مجرمانه و عدم توجه به هدفمندی و کارایی مطلوب کیفر مواردی است که در سیاست‌گذاری‌های کلان قانون‌گذاری همواره به چشم می‌آید.

در گستره جرایم خانوادگی که عموماً نسبت به اعضای خانواده و یا حتی تمامیت نهاد خانواده صورت می‌گیرد، تبعیت از الزامات، اصول و اهداف حاکم بر کیفر بیشتر احساس می‌شود؛ چراکه با نگاهی به عناوین مجرمانه مذکور در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، مجازات حبس بیشترین فراوانی را داشته که در برخی به صورت مجازات واحد و در برخی به صورت انتخابی با مجازاتی دیگر مورد توجه است. درحالی‌که اعمال این گونه مجازات ممکن است در مواردی آسیب‌های فراوانی به

دنبال داشته و اختلاف و تفرقه در خانواده را دو چندان نموده و حتی به انحلال خانواده منجر گردد؛ آسیب‌های اقتصادی (بیکاری سرپرست خانوار)، آسیب‌های اجتماعی (برچسب خوردن بزهکار)، آسیب‌های فرهنگی (تغییر رفتارها و نگرش مجرم) و آسیب‌های عاطفی و روانی (عصبانیت و حس انتقام و دوری از خانواده) در پی مجازات حبس یکی از اعضای خانواده (با شکایت عضوی دیگر) محتمل خواهند بود. لذا اهمیت پژوهش حاضر در تبیین آسیب‌های موجود در حوزه تقنین و ارائه راهکارهای مطلوب و هدفمند بر کسی پوشیده نیست و کاربست آن توسط مقنن پیشنهاد می‌شود.

در موضوع حاضر تاکنون به‌طور خاص پژوهشی صورت پذیرفته است و صرفاً مقاله‌ای با عنوان «جرایم علیه خانواده، چالش‌ها و راهکارها» تألیف عبدالحسین رضایی‌راد و سهیلا صحرانشین سامانی در سال ۱۳۹۳ و مقاله‌ای با عنوان «جرایم علیه خانواده در پژوهش میدانی» تألیف فاطمه بدآغی در سال ۱۳۸۲ به بررسی جرایم علیه خانواده به نحو کلی پرداخته‌اند؛ در واقع کانون توجه در مقالات مذکور جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه در حوزه خانواده بوده و حال آن که نوآوری پژوهش حاضر در پرداختن به آسیب‌های تعیین کیفر و راهکارهای رفع آن در جرایم خانوادگی خواهد بود.

ذکر این موضوع لازم می‌نماید که قانون‌گذار کیفری هرچند با اختصاص فصل نوزدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ به جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی، نگرشی حمایتی از نهاد خانواده را مدنظر داشته است اما محدود نمودن جرم‌انگاری به رفتارهایی خاص (پنج رفتار مجرمانه ترک انفاق، به نکاح در آوردن زن شوهردار یا معتده، نکاح با زن شوهردار یا معتده، عدم ثبت وقایع نکاح، طلاق، فسخ و تدلیس در نکاح) قابل نقد است؛ چراکه اعضای خانواده صرفاً به زن و شوهر خلاصه نمی‌شود بلکه ممکن است صغار، مجانین و حتی سالمندان نیازمند مراقبت و توجه نیز در یک خانواده حضور داشته و به تبع حقوق و تکالیفی نیز در این خصوص نمایان گردد؛ به تعبیر بهتر رفتارهایی چون طرد سالمندان، خشونت نسبت به صغار و مجانین، نقض شخصیت، حیثیت و هویت آنان و حتی عدم توجه به نیازهای ضروری آنان در مقاطع مختلف زمانی خود می‌تواند تهدیدکننده زیست و زندگی این اعضا باشد اما در قانون مجازات اسلامی به این ضرورت‌ها توجه نشده و صرفاً رفتارهایی خاص جرم‌انگاری گردیده است که خود نیازمند تعمیق، رزف اندیشی و پژوهشی مستقل در تبیین ضرورت جرم‌انگاری این رفتارهاست، اما به هر جهت مقرر قانونی فعلی که لازم الاجراء بوده و در رویه جاری کشور مورد استناد قضات قرار می‌گیرد، فصل نوزدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

مصوب ۱۳۷۵ است که می‌بایست در نظم کنونی معیار و میزان تحلیل‌های کیفری قرار گیرد و آسیب‌ها و راهکارهای مبتنی بر آن احصاء گردد، هرچند برخی عناوین مجرمانه آن به موجب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ منسوخ گردیده و در این قانون مورد اشاره قرار گرفته است که لزوماً می‌بایست به آن پرداخته شود. پس در نتیجه معیار بررسی پژوهش حاضر عناوین مجرمانه مذکور در فصل نوزدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ است اما در اتخاذ عنوان پژوهش برخلاف عنوان اتخاذ شده در این فصل (جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی) از عبارت کلی جرایم خانوادگی استفاده گردیده است؛ چراکه اولاً خانواده جمعی متشکل از چندین نفر با هدف مشخص است که هر یک لزوماً در مسیر رسیدن به اهداف، حقوق و تکالیفی خواهند داشت و استعمال لفظ جرایم خانوادگی قاعدتاً هم حقوق و هم تکالیف مندرج در خانواده را دربرمی‌گیرد، لذا به جهت دوری از اطاله کلام و اتخاذ عنوانی جامع و مانع، این اصطلاح مورد پذیرش قرار گرفته است. ثانیاً برخی عناوین مجرمانه موجود در فصل نوزدهم (به نکاح درآوردن زن شوهردار یا معتده، نکاح با زن شوهردار یا معتده، ازدواج زیر سن قانونی و تدلیس در نکاح) علی‌الاصول توسط اعضای یک خانواده واقع نمی‌گردند و نمی‌توان این عناوین را جرم علیه حقوق یا تکالیف خانوادگی به معنای اخص کلمه دانست بلکه این‌گونه جرایم علیه تمامیت نهاد خانواده صورت پذیرفته و تهدیدکننده و ناقض کلیت آن است.

در ادامه لازم است ابتدائاً به آسیب‌شناسی کیفر در عناوین مجرمانه مذکور در قانون مجازات اسلامی پرداخته شود و سپس با نگرشی وسیع، ارائه راهکارهای لازم جهت مطلوبیت و هدفمندی وضع کیفر مدنظر قرار گیرد.

۱- آسیب‌شناسی کیفر در جرایم خانوادگی

خانواده نهادی کلیدی و نخستین کانون رشد و تربیت زوجین و فرزندان در عموم نظام‌های حقوقی به شمار می‌آید. فلذا می‌بایست سیاست‌گذاری‌های حقوقی و کیفری به حفظ و صیانت از این نهاد مقدس معطوف گردد. ارتکاب جرم و نقض حقوق و تکالیف خانوادگی یک تهدید جدی علیه تمامیت نهاد خانواده است که با برخورد‌های کیفری مواجه بوده و از این حیث مورد توجه و دقت نظر قانون‌گذار قرار دارد. «پیمان زناشویی، اتحاد عاطفی و پیوند معنوی بین زن و مرد است و به محض انعقاد نکاح، رابطه‌ای حقوقی تحت عنوان زوجیت، بین زن و شوهر برقرار می‌شود و هر کدام از ایشان در قبال یکدیگر حقوق و تکالیفی خواهند داشت.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۵۵). در حقیقت به سان کلیه عقود و تعهداتی که در عرصه حقوقی واجد آثار و تبعاتی هستند و طرفین هر کدام بسته به نوع و شرایط عقد، تعهدات، حقوق و تکالیفی

نسبت به دیگری دارند، در عقد نکاح نیز این حقوق و تکالیف لاجرم وجود داشته و منشأ اثر خواهد بود. به عبارت دیگر «خانواده یک واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است، زندگی زناشویی قوام، تحکیم و استمرارش به محبت، دوستی، تفاهم، احترام متقابل و به رسمیت شناختن و رعایت حقوق همدیگر است؛ بنابراین دین اسلام برای آن که محیط و اجتماع کوچک خانواده قوام پیدا کند و تداوم یابد، برای هریک از زن و شوهر حقوقی در نظر گرفته و در مقابل این حقوق، وظایفی را نیز برای آنان تعیین کرده است؛ چراکه خداوند هر جا حقی در نظر گرفته، تکلیفی را هم مقرر نموده است.» (موسوی بجنوردی و مهرگان صومعه سراسی، ۱۳۹۶، ۱۸) بر همین مبنا ضمانت‌اجرای نقض حقوق و تکالیف مذکور و یا هرگونه آسیب تهدیدکننده نهاد خانواده توسط قانون‌گذار کیفری جرم‌انگاری گردیده و در قالب جرایم خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است.

در این نوشتار ضمن تبیین مصادیق جرایم خانوادگی مندرج در فصل نوزدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، آسیب‌شناسی مقتضی نیز از کیفرهای موجود در پرتوی اصول و اهداف کیفر صورت می‌گیرد. البته به جهت انسجام منطقی در موضوع، لازم است عنوانین مجرمانه ناظر بر حقوق و تکالیف خانوادگی از عناوین مجرمانه ناظر بر تمامیت نهاد خانواده تفکیک و جداگانه مورد بررسی قرار گیرند.

۱-۱- عناوین مجرمانه ناظر بر حقوق و تکالیف خانوادگی

عناوین مجرمانه ترک انفاق و عدم ثبت وقایع نکاح، طلاق، فسخ، انفساخ و بطلان نکاح، از رفتارهایی هستند که ناقض حقوق و تکالیف مقرر در نهاد خانواده به شمار می‌روند و لزوم بررسی جداگانه‌ای را می‌طلبند.

۱-۱-۱- ترک انفاق

نفقه یکی از مهم‌ترین تأسیسات حقوقی اسلام بوده که برای حمایت از معیشت و نیازهای همسر و اقارب نیازمند در نظر گرفته شده است؛ در حقیقت مقنن ترک انفاق را نوعی رفتار مجرمانه محل به نظم و امنیت اقتصادی خانواده در نظر گرفته است که با تحقق شرایطی منجر به محکومیت و مجازات مرتکب می‌گردد؛ چنان‌که ماده «۵۳»^۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در این راستا، مجازات تارک انفاق را حبس تعزیری درجه شش دانسته است که نشان از سیاست جنایی سزادهنده قانون‌گذار در حوزه خانوادگی دارد. به نظر

۱- ماده ۵۳: هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقة امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

می‌رسد در نظر گرفتن حداکثر حبس دو سال و تشدید آن در جایی که خانواده دارای دو فرزند است تا سه سال، در مقایسه با جرایم مالی دیگر چون جعل یا استفاده از مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکت‌های غیردولتی، ربودن یا تخریب اسناد یا اوراق دفاتر ثبت و تحصیل سند با استفاده از ضعف نفس اشخاص ذکر شده در قانون مجازات اسلامی توجیه پذیر نیست (آقابابایی بنی، ۱۳۹۷، ۹۴). علاوه بر آن آسیب‌های جسمی و روحی جبران‌ناپذیر حبس بر افراد و هزینه‌هایی که برای جامعه به همراه دارد، موجب شده تا کشورهای مختلف به دنبال راه‌هایی برای جایگزینی این مجازات باشند و اعمال این مجازات نسبت به شوهر، تأثیرات نامطلوب و جبران‌ناپذیری در روابط بین زوجین داشته و موجب تشدید اختلافات و مبدل شدن کانون امن خانواده به محل اختلاف و نزاع است (کریمی، ۱۳۹۸، ۱۸۸). شوهری که از پرداخت نفقه زوجه و یا اقارب خود امتناع می‌ورزد، لازم است با اقدامات اصلاحی، اخلاقی و تربیتی به ایفای تعهد خانوادگی خود وادار شده و در واقع مبتنی بر یک اقتناع معقول به انجام وظیفه خود بپردازد و نمی‌توان او را با اعمال مجازات قهری و سزاگرایانه به یک تکلیف برگرفته از رابطه خویشاوندی و محبت‌آمیز الزام نمود؛ چراکه تعارض موجود در این عرصه، آسیب را بیشتر نمایان ساخته و لزوم اصلاح و بازنگری جدی را می‌طلبد.

۲-۱-۱- عدم ثبت واقعه ازدواج، طلاق، رجوع، فسخ نکاح، انفساخ و بطلان نکاح

اعمال حقوقی برای نظم و اعتبار و قابلیت اثبات آن، نیاز به ثبت توسط مقامات صلاحیتدار قانونی در دفاتر اسناد رسمی دارند. در حقوق خانواده نیز اعمال و وقایع متعددی صورت می‌پذیرد که لزوم ثبت آن برای استحکام و نظم بخشی به بنیان خانواده و اعتبار اجتماعی آن بر کسی پوشیده نیست؛ از ازدواج که مقدمه تشکیل خانواده است تا موارد انحلال نکاح از جمله طلاق، فسخ، انفساخ، بطلان و در مواردی رجوع. برای تضمین ثبت وقایع مذکور قانون‌گذار ترک این وظایف را جرم‌انگاری نموده است که به موجب ماده «۴۹» قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ضمن الزام به ثبت واقعه، مجازات جزای نقدی درجه پنج یا حبس تعزیری درجه هفت را به دنبال دارد. قانون‌گذار چنین مجازاتی را صرفاً متوجه زوج دانسته است که باید گفت مجازات جزای نقدی یا حبس مجازات فاقد توجیهی بوده و بنا به اصولی چون اصل

۲- ماده ۴۹: چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.

حداقل بودن حقوق جزا، می‌بایست صرفاً در موارد ضرورت به کاربرد مجازات‌های کیفری به‌خصوص حبس و جزای نقدی پرداخت (غلامی، ۱۳۹۱، ۵۷) و در جرایمی مبتنی بر ترک فعل اعضای خانواده از وظایفی چون ثبت وقایع مرتبط با آن، چه بسا مجازات‌های اجتماعی و بازپذیرکننده با توجه به شکست عاطفی و روانی به‌خصوص در طلاق، فسخ و انفساخ نکاح مناسب‌تر به شمار آید. در ادبیات فارسی و عربی نیز ضرب المثلی با این عنوان «آخرین مرهم داغ نهادن است» (امامی و آشتیانی، ۱۳۸۷، ۱۶۸) به چشم می‌خورد که حکایت از اولویت برخوردهای خفیف بر شدید دارد. فلذا بهتر است به جهت آسیب‌های پیش گفته، در حداقل ممکن از مجازات حبس و مجازات‌های تزدیلی در حوزه جرایم خانوادگی بهره برد.

۲-۱- عناوین مجرمانه ناظر بر تمامیت نهاد خانواده

در این نوشتار رفتارهای مجرمانه نکاح با زن شوهردار یا معتده، به نکاح در آوردن زن شوهردار و معتده، ازدواج قبل از سن قانونی و نهایتاً تدلیس در ازدواج به‌عنوان چهار رفتاری که محل به تمامیت نهاد خانواده است، مورد بررسی قرار می‌گیرند. مرتکبان این رفتارها اصولاً اعضای یک خانواده نیستند، اما آسیب‌های بزرگ و جبران ناشدنی به نهاد خانواده وارد می‌آورند که می‌بایست با پاسخ‌های کیفری متناسب و کارآمد مواجه گردند.

۱-۲-۱- نکاح با زن شوهردار یا معتده

یکی از مهم‌ترین موانع نکاح، شوهر داشتن زن یا در عده‌بودن وی است. تأکید فقه امامیه و به تبع آن قانون مدنی نیز بر منع چنین ازدواجی است؛ چراکه این ازدواج آثار و برکات ازدواج اسلامی را نداشته و حتی ممکن است آسیب‌زا و مشکل‌آفرین نیز باشد. به‌علاوه اینکه «چند زنی در حقوق ما با شرایطی پذیرفته شده است ولی چند شوهری به‌هیچ‌وجه مجاز نیست. تعدد شوهر برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه و موجب اختلاط نسل است و قانون هیچ یک از کشورهای متمدن آن را نپذیرفته است» (صفایی و امامی، ۱۳۹۵، ۹۹ و ۹۸). اساساً به جهت عوارض و آسیب‌های پیش گفته، چنین عقدی باطل بوده و حتی فقه اسلامی برای بازدارندگی بیشتر آن، در مواردی این نکاح را موجب حرمت ابدی بین زن و مرد دانسته است، اما قانون‌گذار برای اتمام حجت و با هدف بازدارندگی بیشتر عمل مذکور را به واقع جرم‌انگاری نیز

نموده است؛ چنان‌که ماده «۶۴۴»^۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ برای مرتکبان چنین اعمالی در صورت عدم واقعه، حبس شش ماه تا دو سال و جزای نقدی از بیست و پنج تا صد میلیون ریال^۵ در نظر داشته است. به نظر می‌رسد سیاست کیفری مطلوب در راستای احتراز از نکاح با زن شوهردار یا معتده که مبتنی بر اصل فردی کردن مجازات‌ها و اهدافی چون اصلاح و درمان و بازدارندگی مجازات‌هاست، لازم است در مسیر اصلاح بینش و تفکر مجرمان بوده و با تبیین معارف اسلامی و مجازات‌های اجتماعی و بازپذیرکننده به قانون‌پذیری این افراد کمک نمود، حال آن که صرف اعمال حبس و جزای نقدی بدون هیچ‌گونه تبیین معقول و منطقی شاید کارساز نبوده و صرفاً به افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها بینجامد.

۲-۲-۱- به نکاح درآوردن زن شوهردار و معتده

علاوه بر جرم بودن ازدواج با زن شوهردار و معتده، اقدام به جاری ساختن صیغه نکاح و به عقد درآوردن زن شوهردار یا معتده برای مرد بیگانه نیز همین حکم را داشته و امری مغضوب و درعین حال مجرمانه بوده و پاسخ‌های قانونی متعددی به دنبال دارد. ماده «۶۴۳»^۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مرتکبان این‌گونه افعال را با مجازات حبس یا جزای نقدی روبه‌رو دانسته است. فلسفه وضع عنوان مجرمانه برای عمل مذکور، در حقیقت معاونت در گناه و زمینه‌سازی برای ارتباط نامشروع و خلاف قانون است؛ چراکه عاقد در صورتی محکوم به مجازات مذکور در ماده می‌شود که از روی علم، مرد را به ترویج زنی که هنوز در ایام عده یا علقه زوجیت مرد دیگری است درآورد و رابطه زناشویی میان آن‌ها واقع گردد. چنین فعل ارتكابی از سوی عاقد زمینه‌سازی برای ارتباط نامشروع زن و مرد را فراهم می‌کند که عملی ناپسند و

۴- ماده ۶۴۴: کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند: ۱- هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتی که منجر به واقعه نگردد. ۲- هر کسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود ترویج نماید در صورتی که منتهی به واقعه نگردد.

۵- جزای نقدی مندرج در این ماده به موجب مصوبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ هیات وزیران به بیست و پنج تا صد میلیون ریال تعدیل شد.

۶- ماده ۶۴۳: هر گاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید.

مصدق آیه «۱۹»^۷ سوره مبارکه نور نیز خواهد بود (رضایی‌راد و صحرانشین سامانی، ۱۳۹۳، ۴۳). این‌گونه مجازات نیز بدون فرهنگ‌سازی و اصلاح مرتکب راه به جایی نبرده و نمی‌تواند تأمین‌کننده اهداف حاکم بر مجازات و همچنین آسیب وارده به حرمت یک خانواده باشد. لذا بازدارندگی معقولی نداشته و شاید در پی مجازات حبس، فرد نه تنها اصلاح و بازسازی اجتماعی نشده بلکه راهکارهای ارتکاب چنین جرایمی را نیز بیش از پیش تعلیم ببند و پس از آزادی نیز مجدداً راه تکرار این جرم را تداوم بخشد.

۳-۲-۱- ازدواج قبل از سن قانونی

قانون‌گذار بنا به اهمیت تشکیل خانواده و آثار، حقوق و تکالیفی که از چنین نهادی نشأت می‌گیرد، برای تشکیل آن سن قانونی خاصی تعیین نموده است. هرچند ممکن است در پاره‌ای موارد اشخاص زیر چنین سنی نیز استثنائاً قادر به تشکیل خانواده باشند، اما قاطبه موارد هنوز به بلوغ و رشد لازم برای چنین عقد تعهدآوری نرسیده‌اند و لازم است از انعقاد آن جلوگیری به عمل آید. در همین راستا قانون مدنی در ماده ۱۰۴۱ معیار سنی مشخصی برای ازدواج در نظر داشته است: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.» در کنار این مقرره، قانون‌گذار عدم رعایت شرط سنی در ازدواج را جرم‌انگاری و با پاسخ کیفری حبس روبه‌رو دانسته است؛ چنان‌که ماده «۵۰»^۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ حسب مورد مجازات حبس تعزیری درجه چهار، پنج یا شش را برای زوج در نظر دانسته است که جای بسی مورد توجه نبوده و برای مقابله با کودک همسری صرفاً به مجازات حبس بدون توجه به بازدارندگی و اصلاح مجرم پرداخته شده است. این عقد اساساً از لحاظ حقوق مدنی باطل است اما چنین ازدواج غیرقانونی توسط مرد، به اصالت و اعتبار خانواده کودک و همچنین خود وی لطمه وارد کرده و نوعاً

۷- إِنَّ الَّذِينَ يَجُوبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند شیوع پیدا کند برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود و خدا [ست که] می‌داند و شما نمی‌دانید.

۸- ماده ۵۰: هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به موقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به موقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

موجب وهن مقررات نظام خانواده است، اما بر مبنای اصل فردی کردن مجازات‌ها (تناسب مجازات با شخصیت و وضعیت مجرم) و البته اهداف اصلاح و درمان، بازدارندگی و حتی تشفی خاطر بزه‌دیده و ترمیم ضرر و زیان وارده به وی، اعمال مجازات حبس وافی به مقصود نیست و چنین رویکردی را شاید بتوان سزادهی صرف دانست که آسیب‌های متعددی به دنبال داشته و چه بسا حبس مرد با توجه به استمرار نکاح حاصله، زوجه را از تأمین نیازهایی چون نفقه و مسکن محروم و دچار مشکلات مضاعفی نیز نماید.

۴-۲-۱- تدلیس در ازدواج

در اصطلاح حقوقی تدلیس در نکاح آن است که «یکی از دو همسر باید به عمد طرف دیگر را بفریبد یعنی با پوشاندن معایبی که دارد یا نمایاندن صفاتی که در او نیست، دیگری را مغرور و راضی به نکاح سازد» (سکوتی نسیمی، ۱۳۹۴، ۲۱۶). تدلیس در عقد نکاح علاوه بر این که ذاتاً امری ناپسند و مذموم قلمداد می‌گردد، در عقد ازدواج که می‌بایست با صداقت و درستی بنا شده باشد، از کراهت بیشتری برخوردار است. به هر ترتیب تدلیس در نکاح همان‌گونه که از ضمانت‌اجرای فسخ در حقوق مدنی برخوردار است، قانون‌گذار کیفری نیز این‌گونه رفتارها را جرم‌انگاری نموده و مجازات حبس تعزیری سه ماه تا یک سال را برای مرتکب تعیین نموده است (ماده «۶۴۷»^۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵). چنین مجازاتی نیز برای فردی که از تقلب و فریب شریک زندگی خویش نیز ابایی ندارد، چندان کارساز نیست و در واقع لازم است نگرش متقابلانه، تفکر مجرمانه و اخلاق و اعتقادات وی مورد ترمیم و اصلاح قرار گیرد. چه بسا صرف مجازات حبس، وی را بیشتر در معرض راهکارهای تقلب و فریب قرار داده و وی در تدلیس و اعمال خلاف قانون پس از آزادی از زندان ممارست نماید. در حقیقت برای کسانی که در زندگی خویش فریبکاری، نیرنگ و تقلب را عادی انگاشته و برای هر امری حتی اموری چون ازدواج و تشکیل خانواده دست به فریبکاری می‌زنند، صرف مجازات حبس و دوری موقتی آنان از جامعه کفایت می‌کند؟ به نظر می‌رسد می‌بایست بر جنبه‌های اصلاح و درمان مجازات متکی بود و با روش‌های متعدد معنوی، اخلاقی، فرهنگ‌سازی و جامعه‌شناسی به رفع این نگرش و تفکر مجرمانه و آسیب آفرین در مرتکب خاطی اقدام نمود. لذا صرف مجازات حبس شاید درد بدتر از درمان

۹- ماده ۶۴۷: چنانچه هریک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تکمیل مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هریک از آن‌ها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

نیز شده و مرتکب را جهت ارتکاب جرایم متقابلانه و فریبکارانه گستاخ تر نماید.

۲- راهکارهای کیفرگذاری مطلوب در جرایم خانوادگی

همان‌طور که در نوشتار قبل روشن گردید، آسیب‌های متعددی در کیفرهای موجود در جرایم خانوادگی به چشم می‌خورد که در راستای نیل به وضع مطلوب و هدفمندی کیفر، لازم است راهکارهایی جهت تعیین کیفر در این عرصه تبیین و ارائه گردند. در حقیقت اگر شاهد جرم‌انگاری برخی رفتارها در روابط خانوادگی هستیم، علاوه بر اهداف کلی جرم‌انگاری از جمله برقراری نظم عمومی و جبران ضرر و زیان وارده به اشخاص، صیانت از خانواده، حراست و تداوم نقش‌های مختلف در آن نیز مدنظر بوده و چه بسا اهمیت بیشتری در جرم‌انگاری رفتارها داشته باشند. لذا بنا به اهمیت وافر این نهاد و تأثیر و تأثر زیادی که از جرم‌انگاری برخی رفتارها متوجه آن می‌گردد، تا حد ممکن می‌بایست از یک سری راهکارها نیز جهت تعیین کیفر در این حوزه خاص بهره‌مند گردید. در ادامه به راهکارهای لازم در این حوزه پرداخته می‌شود.

۱-۲- الزام و تقید به حبس زدایی در حوزه جرایم خانوادگی

با نگاهی گذرا به جرایم خانوادگی، در می‌یابیم که قانون‌گذار در عمده این جرایم، پاسخ کیفری حبس را برای مقابله و برخورد انتخاب نموده است؛ به طوری که شاید چنین برداشت شود که در واقع با نوعی افراط در کیفر حبس روبه‌رو بوده‌ایم. آسیب‌های متعددی از کیفر حبس به چشم می‌خورد؛ یکی از آسیب‌های سوء زندان، تأثیر آن بر شخصیت زندانی است. در محیط زندان، بزهکار فرصت زیادی برای تفکر و تعقل دارد و این فرصت کافی و مهیا اگر بدون چهارچوب رها شود، در مسیر ارتکاب بزه و خلافی دیگر جهت‌دهی خواهد شد. دیگر اینکه در محیط بسته زندان، عموماً به جهت ارتباطات گسترده زندانیان با یکدیگر، به آسانی راه و روش ارتکاب جرم آموزش داده شده و انتقال این تجارب به سهولت صورت می‌پذیرد. در واقع در زندان غالباً آموزش احترام به قانون کمتر بوده و بلکه راه‌های گریز از قانون و نحوه ارتکاب جرایم جدید توسط زندانیان به وفور تقلید و آموزش داده می‌شود. بیکاری و طرد اجتماعی نیز از آسیب‌های مجازات حبس است؛ درعین حال آسیب‌های تبعی زیادی از این بیکاری وی به بار می‌آید که فرد احساس پوچی و حقارت نموده و خود را سربار جامعه می‌داند. پایین بودن سطح بهداشت، سلامت و اخلاق نیز از آسیب‌های شایع محیط زندان است و در بروز بیماری‌های مختلفی از جمله بیماری‌های روحی و روانی زندانیان نقش دارد (مجیدی بیدگلی و صفاکیش کاشانی، ۱۳۸۶، ۸۵ و ۸۶).

زندانی پس از بازگشت به جامعه و آزادی از زندان نیز به نوعی همچنان توسط جامعه و اطرافیان مجازات می‌شود. این نوع نگرش همان نظریه برجسب زنی در جرم‌شناسی بوده که پیامدهای سویی به دنبال دارد؛ برخوردهای اعمال کنترل اجتماعی موجب می‌شود که انحراف با جرم نزد این افراد نقشه بندد و تبدیل به رفتار ثابت آن‌ها شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴، ۲۰۰). به تعبیر بهتر باید گفت که نظریه برجسب زنی قائل به این است که انحراف از قانون ذاتی نیست؛ بلکه تابع برجسبی است که از بیرون توسط افراد جامعه و به خصوص عوامل دستگاه عدالت کیفری به شخص زده می‌شود. نظریه برجسب زنی را می‌توان از میان سنن و عقاید مکتب شیکاگو و به‌عنوان نظریه‌ای فرایندمحور در علت‌شناسی جرم مطرح نمود؛ به این تعبیر که جرم پدیده‌ای آتی نبوده و در طول فرایندی چند مرحله‌ای، شامل ایجاد و گسترش تصور منحرفانه از خود، به دنبال تعاملات اجتماعی و اتخاذ نقش‌های مجرمانه و در نهایت التزام به حرفه‌ای مجرمانه و سرسپردگی به ارتکاب جرم به وجود می‌آید (Morrison, 1995, 322) به‌طوری‌که بزهدار حتی اگر تحت تدابیر اصلاحی نظام زندان قرار گرفته و بهبود یافته باشد، وقتی به جامعه برای ادامه زندگی و کار باز می‌گردد، مورد برجسب‌زنی اطرافیان قرار می‌گیرد، از او فاصله گرفته و در محافل عمومی و کاری او را طرد می‌کنند. این طرز برخورد در ذهن بزهدار نقش بسته و وقتی موقعیتی در گروه بهنجار جامعه ندارد، برای کسب موقعیت و اعتبار خود، ناچار می‌شود به سمت گروه‌های بزهدار رفته و هویت خود را در چنین گروه‌هایی تعریف نموده و شخصیت خود را با آن منطبق نماید. این برجسب زنی در حوزه جرایم خانوادگی اثرگذاری ملموس‌تری دارد؛ به گونه‌ای که فشار ناشی از برجسب از سوی خانواده و طرد خانوادگی مجرم، او را بیشتر در مسیر تصور مجرمانه و انحراف سوق می‌دهد.

به هر ترتیب نمی‌توان منکر مجازات حبس در جرایم خشن و تهدیدکننده نظم و امنیت عمومی که احساسات عمومی جامعه و اخلاق حسنه را جریحه دار می‌کنند، شد؛ چراکه اساساً با هدف مقابله و سلب توان بزهداری راهکاری قابل قبول به حساب می‌آید اما این استثناء می‌بایست در موضع خود تفسیر شده و در مواردی چون جرایم خانوادگی که به حوزه مهم خانواده مرتبط است، نمی‌تواند چندان قابل توجه باشد. مجازات حبس در حوزه جرایم خانوادگی نه تنها آثار و فواید لازم را به ارمغان نمی‌آورد، بلکه می‌تواند به فروپاشی خانواده و ارتکاب مجدد جرم در آینده نیز کمک نماید. همان‌گونه که قبلاً گفته شد مرتکبان جرایم خانوادگی عموماً زن و شوهر بوده که یا در شرف ازدواج بوده‌اند و یا بعد از تشکیل خانواده مرتکب چنین رفتارهای مجرمانه‌ای شده‌اند. حالا اگر قرار باشد با شکایت یکی از طرفین، دیگری برای ارتکاب

جرمی که در قالب نهاد خانواده متصور است، به زندان رفته و مدتی از آزادی خود محروم باشد، آتش کینه، اختلاف و انتقام بیشتر شعله ور شده و شاید دیگر امیدی به بازگشت صلح و آرامش در آن خانواده نباشد. حال آن که در عمده جرایم خانوادگی قانون‌گذار بیشترین بهره را از کیفر حبس برده است.

به‌عنوان مثال در جرم ترک انفاق (موضوع ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱) حبس تعزیری درجه شش^۱ برای زوج در نظر گرفته شده است. در صورتی که علت اصلی طرح شکایت کیفری زوجه و یا اقارب از زوج، مسائل مالی و در تنگنا قرار دادن آن‌ها و عدم تأمین نفقه بوده است، قانون‌گذار برای پاسخ کیفری به این رفتار، صرفاً مجازات حبس تعیین نموده است که اساساً با خصلت این نوع جرم نیز همخوانی ندارد و اهداف مجازات نیز به جز سزادهی تأمین نخواهد شد. این اقدام نه‌تنها ممکن است آتش اختلاف و درگیری در محیط خانواده را بیشتر نموده و حتی منجر به طلاق و آسیب‌های دیگری گردد، بلکه با به زندان رفتن تارک انفاق، مسئله تأمین نفقه زوجه و اقارب نیز بیش از پیش دچار مشکل شده و چه بسا ممکن است به دلیل از دست‌دادن شغل و بیکاری فرد، عایدی نداشته باشد تا نفعی از آن متصور باشد. لذا بهتر می‌بود قانون‌گذار در این‌گونه جرایم که در بستر خانواده رقم می‌خورد، سیاست تسامح و تساهل توأم با غایت‌مندی را دنبال می‌نمود و با وضع مجازات‌های مالی و محرومیت‌های اجتماعی دیگر، به رفع آسیب و ضرر وارده به خانواده همت می‌گمارد. در حقیقت، خانواده محیط آرامش، گذشت، صداقت، تعاون و همکاری برای پیشبرد امور در یک هدف واحد است، لذا مجازاتی چون حبس که با فلسفه این نهاد ناسازگار بوده و مخل به مبانی خانواده است، نمی‌تواند در جرایم این حوزه از کارآیی لازم برخوردار باشد و بهتر است از مجازات‌های اجتماعی، مالی، آموزشی و ارشادی برای اعضای خانواده و افراد دخیل در تشکیل آن (سردفتر و عاقد) بهره برد. در واقع مبنای چنین رویکردی را نمی‌توان چیزی جز اصل تناسب دانست که به شکل تناسب مجازات با جرم و خصوصیات مجرم خودنمایی می‌کند.

۲-۲- اولویت بخشی به مجازات‌های مالی

مجازات‌های مالی و محرومیت از دارایی با هدف خدشه به مالکیت و حقوق مالی اشخاص، محدودیتی برای آنان ایجاد می‌کنند تا در آینده ارتکاب جرم مؤثر باشد. در واقع مال و مالکیت مفهومی است که ارزش آن در کنار جان همواره مهم و اساسی قلمداد می‌گردد، فلذا محکومیت مجرم نسبت به اموال و

۱۰- حبس بیش از شش ماه تا دو سال

دارایی هایش نیز ناگوار و نگران‌کننده بوده و ثمره و حاصل تلاش و فعالیت هایش در معرض خطر قرار می‌گیرد. موضع این‌گونه مجازات‌ها هم طبیعتاً اموال شخص محکوم بوده که در قالب دیه، جزای نقدی، ضبط و مصادره اموال در قانون نمود پیدا کرده است (الهام و برهانی، ۱۳۹۸، ج ۲، ۱۸۵).

در جرایم خانوادگی به جهت ماهیت و شرایط خاصی که دارند، وضع مجازات‌های مالی و محرومیت از دارایی یکی از بهترین پاسخ‌های کیفری قانون‌گذار خواهد بود. برخلاف مجازات حبس، این دسته از مجازات‌ها نه تنها موجب فساد و تباهی در رفتار بزه‌کار نمی‌گردند، بلکه برقراری تناسب میان جرم و مجازات نیز به نحو مطلوبی قابل اعمال است، هزینه‌های اجرای این نوع مجازات‌ها به مراتب کمتر از مجازاتی چون حبس برای دولت خواهد بود و در منابع و هزینه‌ها نیز صرفه جویی می‌شود و علاوه بر آن جزای نقدی با هر بار اجرا همچنان آزاردهنده بوده و محکوم را در تنگنا و مضیقه مالی قرار می‌دهد (اردبیلی، ۱۳۹۹، ج ۳، ۹۱ و ۹۰). از سوی دیگر کیفرگذاری هدفمند و مطلوب زمانی در حوزه حقوق خانواده پیاده‌سازی می‌شود که به تناسب جرم و مجازات به معنای واقعی کلمه پرداخته شود. به عبارت دیگر «قانون‌گذار با در نظر گرفتن عوامل دربرگیرنده جرم که مهم‌ترین آن‌ها نوع و میزان صدمه ناشی از جرم و همین‌طور نوع و میزان سرزنش‌پذیری رفتار است، از یک سو و تعیین وزن خاصی برای نوع، کمیت و کیفیت مجازات از سوی دیگر، به مجازات انگاری روی می‌آورد و درجه‌های جرم و مجازات را پیش‌بینی می‌کند.» (منصورآبادی، ۱۳۹۹، ۳۲۸). این درجه‌بندی و تناسب بخشی همان‌طور که اشاره گردید، بهترین محل اجرا را در مجازات‌های مالی خواهد داشت.

علاوه بر آن در همین خصوص می‌توان از نگاه مدل اقتصادی جرم به این مقوله نگریست. مدل اقتصادی جرم پیشنهاد می‌کند که می‌توان افراد شرکت‌کننده در فعالیت‌های جنایی را موجوداتی منطقیاً اقتصادی دانست که به نحو غیرقابل پیش‌بینی عمل می‌کنند؛ بنابراین برای جلوگیری از فعالیت مجرمانه، این تئوری پیشنهاد می‌کند که بازده مورد انتظار آن کاهش یابد. با توجه به اینکه سود مطلوب، لازم است آورده‌ای مثبت باشد، قطعیت و شدت مجازات‌ها با سودمندی مورد انتظار و در نتیجه فعالیت مجرمانه رابطه معکوس دارد (Becker, 1968, 217)؛ بنابراین در سطح کل، تعداد جرایم را می‌توان تابعی از احتمال و هزینه دستگیری بیان نمود. پس اهداف بازدارندگی و ارعاب، سلب توان بزه‌کاری و حتی به نوعی اصلاح و درمان نیز از قبل این‌گونه مجازات‌ها تأمین خواهد شد. نتایج نشان می‌دهد که جریمه‌های مالی اثر بازدارندگی قابل توجهی دارند و در بسیاری از موارد یک گزینه مقرون به صرفه‌اند. فلذا تعداد زیادی از بزه‌کاران جرایم

غیرخشن که در حال حاضر زندانی‌اند، می‌توانند برای کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری تحت مجازات‌های مالی متناسب قرار گیرند (Cherry, 2001, 9). لذا لازم است مقنن در کنار رویکرد حبس زدایی در جرایم خانوادگی (جنبه سلبی)، به مجازات‌های مالی تأثیرگذار و البته توأم با تناسب و بازدارنده نیز توجه نموده (جنبه ایجابی) و سرنوشت خانواده را به زندان و اختلافات گسترده منتهی نکند. نیک می‌دانیم که امروزه با افزایش نرخ تورم، گرانی کالاها و خدمات و ازسوی دیگر افزایش نیازهای خانواده، بالارفتن سطح توقعات و نگرش‌ها، درآمد و تأمین منابع مالی در خانواده‌ها امری بسیار قابل توجه به شمار می‌آید. به‌عنوان مثال زمانی که جرمی چون تدلیس و فریبکاری برای ازدواج صورت گرفته است، اگر مجازات مالی به جای حبس مدنظر باشد، چه نقصان و ضرر بزرگی بر فریبکار به بار آورده تا محیط خانواده را با اقدامات فریبکارانه اش دستخوش دگرگونی نکند و یا در جرم عدم ثبت واقعه ازدواج و طلاق، وضع مجازات مالی متناسب، می‌تواند درس عبرتی برای فرد خاطی باشد که چنین عمل ساده‌ای را به فراموشی یا سهل‌انگاری و یا عمد ترک کرده و از این حیث مشکلاتی در اثبات و استناد بخشی به وقایع مذکور ایجاد نموده است. در واقع اثر بارز اعمال مجازات‌های مالی، ندامت و پشیمانی مرتکبان از افعال یا ترک فعل‌های قانونی بوده و چندان از بازدارندگی و حتی اصلاح و درمان برخوردار بوده که نمی‌توان مشابه آن را در چنین شرایط اقتصادی‌ای در مجموع مجازات‌های موجود یافت نمود.

۳-۲- محوریت بخشی به آموزه‌های عدالت ترمیمی و اصل جبران ضرر وارده

همان‌طور که می‌دانیم، یکی از مهم‌ترین مبانی جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه در قلمرو حقوق کیفری اصل ضرر یا به اصطلاح صحیح‌تر اصل عدم ضرر است. این اصل بر مبنای ضرر و زیان وارده به بزه‌دیده، ارتکاب برخی رفتارها را قابل جرم‌انگاری می‌داند. «براساس این اصل، تنها رفتارهایی باید از طرف جامعه ممنوع و با مجازات مواجه شود که ضرر مادی و خارجی به افراد دیگر می‌رساند؛ بنابراین اصطلاح اصل عدم ضرر برای بیان مقصود گویاتر خواهد بود... در این دیدگاه دولت تنها زمانی می‌تواند آزادی‌های شهروندان را تهدید نماید که رفتارهای اشخاص به سایرین آسیب رساند.» (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ۷۹). در حقیقت با وقوع جرم، این بزه‌دیده است که زیان‌های روحی و جسمی ناروایی بر وی وارد شده است، لذا اگر قانون‌گذار صرفاً کیفرگذاری را بر مبنای صیانت از حقوق جامعه اعمال کند، شاید بزه‌دیده به‌عنوان فردی متضرر به مقصود خود دست نیافته و حتی ممکن است درصدد انتقام جویی و تقاص نیز برآید. لذا جرم‌انگاری و کیفرگذاری هدفمند زمانی قابل تحقق است که حقوق بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان

احتمالی جرایم نیز در کنار حقوق جامعه مورد توجه قرار گیرد.

امروزه به منظور توجه به این مهم در کنار عدالت کیفری سنتی، مفهومی به نام عدالت ترمیمی پایه‌ریزی گردیده است که ترمیم و جبران ضرر و زیان وارده در جرم را در اولویت قرار داده است. هوارد زهر عدالت ترمیمی را چنین تبیین نموده است: «عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند (تا آن جا که امکان‌پذیر است) تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است اقدام نمایند.» (زهر، ۱۳۸۳، ۱۲). در واقع عدالت ترمیمی اشخاص را در اولویت قرار داده است تا خود به جمع‌بندی و مطالبه حقوق خود دست یابند و از این حیث بسیار برای جرایم خانوادگی تأثیرگذار خواهد بود؛ چراکه عدالت ترمیمی با چهار هدف اصلی در قلمرو حقوق کیفری خودنمایی می‌کند که این چهار هدف به نحو بارزی می‌توانند آسیب‌های جرایم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی را مرتفع نموده و پاسخی مطلوب برای جرم باشند؛ اصالت‌دادن به روابط شخصی طرفین دعوی، جبران ضرر و زیان، بازپذیری و نهایتاً مشارکت طرفین (غلامی، ۱۳۹۳، ۱۹-۱۵).

با نگاهی به اهداف چهارگانه عدالت ترمیمی، تناسب و کاربست آن در جرایم خانوادگی بیش از پیش نمایان می‌شود. در حوزه جرایم حقوق خانواده، عمدتاً ضررهای معنوی و روحی و در مواردی کمتر جسمی مطرح است که این‌گونه آسیب‌ها به آسانی و از طریق مجازات‌های حبس و دیگر پاسخ‌های کیفری قابلیت جبران ندارند. در واقع اگر اصالت و اعتبار با روابط شخصی و بیان آسیب‌ها و مطالبه راهکارها و شرایط جبران باشد، بهتر می‌توان به جبران ضرر و زیان‌های وارده و بازگشت و ترمیم خانواده آسیب‌پذیر، امیدوار بود. اگر زن و شوهر در فضایی گفت‌وگو محور به بیان آسیب‌ها و مشکلات ناشی از رفتار مجرمانه بپردازند و راه جبران و برطرف‌شدن را نیز خود آنان تعیین کنند، علاوه‌براین که بسیاری از هزینه‌ها و حجم سنگین پرونده‌ها در محاکم کاهش یافته، نتیجه بهتر و ملموس‌تر و سریع‌تری نیز رقم می‌خورد، حتی می‌توان با این گفت‌وگوها و تبادل نظرات، به بازگشت آنان به زندگی و خانواده منحل شده نیز امیدوار بود. به‌عنوان مثال در جرم ترک انفاق، زنی که از نپرداختن نفقه خود شکایت داشته و متحمل ضرر و زیان‌های مادی و معنوی زیادی شده است، رو در رو با شوهرش به گفت‌وگو پرداخته و در پرتو آموزه‌های عدالت ترمیمی، جبران ضرر و زیان خود را از طرف مقابل می‌طلبد و یا در جرم تدلیس در نکاح که عموماً با ضرر و زیان‌های معنوی و عاطفی روبه‌رو هستیم نیز این رویکرد بسیار می‌تواند راهگشا باشد، چنان‌که زن یا مردی که فریب

خورده و از این حیث متحمل ضرر شده است، راه‌ها و طرق جبران را پیش پای بزهکار گذاشته و او را به جبران و التیام دردها و رنج‌ها ترغیب می‌کند و یا در جرم ازدواج کمتر از سن قانونی نیز همین رویکرد می‌تواند ضررهای جسمی و روحی معنونه را التیام بخشیده و با ارائه راهکار و طرح نظرات اولیاء و سرپرستان قانونی و خود طرفین نکاح، به جمع‌بندی و تصمیم‌گیری مطلوب نائل آمد.

۴-۲- توجه به نقش آموزش مهارت‌های زندگی و تشکیل خانواده در تعیین کیفر

برنامه‌های آموزش محور و تعلیمی با هدف پرکردن خلأهای موجود در مجرمان، به اصلاح و بازپذیری اجتماعی آنان کمک شایانی می‌نمایند. بسیاری از رفتارهای مجرمانه به جهت فقدان آموزش، تعلیم و تربیت صحیح در جامعه رخ می‌دهند که نگاه رویکردهای پیشگیری اجتماعی یا مجرم مدار نیز به همین محور تکیه دارد؛ پیشگیری از جرم از طریق آموزش، تعلیم و بهسازی شخصیت مجرم برای اقناع وجدانی وی و سوق یافتن او به سمت رفتارهای بهنجار و مطلوب اجتماعی. پیشگیری اجتماعی از اقسام پیشگیری غیرکیفری بوده و در واقع «گونه‌ای از تدابیر پیشگیرانه است که با مداخله فعالانه دولت (نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) در محیط زندگی اجتماعی عموم افراد و اهتمام به علل زیربنایی جرم و آسیب‌های اجتماعی، بهتر زیستن توأم با کرامت شهروندان را از رهگذر پاسداشت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان فراهم می‌آورد.» (قماش و عارفی، ۱۳۹۶، ۸۶). در این نوع پیشگیری از جرم بیشترین نقش را خود بزهکار ایفا می‌کند؛ بزهکاری که می‌بایست ضمن همراهی تمام با برنامه‌ها و تدابیر نظام عدالت کیفری، از هرگونه اقدامی که به فرایند بازاجتماعی‌شدن وی لطمه وارد می‌کند، اکیداً پرهیز نماید. «پیشگیری اجتماعی با مداخله در محیط اجتماعی عمومی و شخصی افراد از قبیل محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و خانواده تلاش دارد تا سازوکارهای خودکنترلی و مهارت‌های اجتماعی را افزایش دهد.» (ساریخانی و سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵، ۱۴۴).

در جرایم خانوادگی، می‌توان ادعا نمود که عمده رفتارهای مجرمانه ناشی از همین فقدان تعلیم و تربیت صحیح و عدم آموزش مهارت‌های زندگی و تشکیل خانواده بوده است. مهارت برای زندگی کردن در جامعه و مهم‌تر از آن در محیط خانواده بسیار کلیدی محسوب شده و حتی لزوم تعلیم آن در قالب برنامه‌های درسی دانش‌آموزان نیز به‌خوبی احساس می‌شود. «اصطلاح مهارت‌های زندگی به گروه بزرگی از مهارت‌های روانی-اجتماعی و میان فردی گفته می‌شود که می‌تواند به افراد کمک کند تا تصمیمات شان را با آگاهی اتخاذ کنند، به‌طور مؤثر ارتباط برقرار کنند، مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت شخصی

خود را گسترش دهند و زندگی سالم و بار آور داشته باشند. مهارت‌های زندگی می‌تواند اعمال شخصی و اعمال مربوط به دیگران و نیز اعمال مربوط به محیط اطراف را طوری هدایت کنند که به سلامت بیشتر منجر شود و سلامت بیشتر یعنی آسایش بیشتر جسمانی، روانی و اجتماعی.» (کردنوقابی و شریفی، ۱۳۸۴، ۱۳). مهارت‌های زندگی از طریق تنظیم روابط انسان با دیگران و به‌طور خاص در محیط خانواده و خویشاوندان، نوعی تعامل مثبت اجتماعی ایجاد نموده که نتیجه و بازخورد طبیعی آن کاهش اختلافات و به تبع آن جرم و رفتارهای مجرمانه خواهد بود. کیفرگذاری برای جرایمی که در سطح خانواده اتفاق می‌افتد، می‌تواند با رویکرد آموزشی، تعلیمی و تربیتی باشد؛ فرد خاطی به جای تحمل حبس، به الزام به گذراندن دوره‌ای شش ماهه یا بیشتر مهارت‌های زندگی و تشکیل خانواده محکوم می‌شود. به‌عنوان مثال جرم ترک انفاق که شاهد تکرار آن در جامعه به‌رغم مجازات کیفری حبس هستیم، خود یکی از رفتارهای مجرمانه‌ای است که منشأ آن می‌تواند فقدان آموزش صحیح و درک درست مسئولیت‌پذیری در خانواده باشد. درحالی‌که اگر بزهکار ضمن الزام به پرداخت نفقه، برای مدتی به گذراندن چنین دوره‌هایی محکوم می‌گردید، آثار اجتماعی آن به‌مراتب بیشتر از سایر مجازات‌ها بوده و علاوه بر تأمین اهداف پیشگیری اجتماعی از جرم، به تحکیم روابط خانوادگی و حس مسئولیت جمعی و تعهدپذیری فرد نیز کمک بالقوه‌ای می‌نمود.

۵-۲- تأکید و توجه به کسب اخلاق دینی، تعالیم ارشادی و عقیدتی ضمن کیفر

دین اسلام در نوع خود، بهترین و کامل‌ترین برنامه و راهبرد را برای سعادت و رستگاری مردم قرار داده است. «دین بر شکوفاسازی و مزیت بخشی و ارجحیت‌گذاری هویت فکری، معنوی و اخلاقی اصرار ورزیده است. ادیان این توصیه را برای بشر به ارمغان آورده‌اند که متعالی‌ترین عنصر هویت و شخصیت عبارت است از فرشته معنوی آدمی و آن را در مقایسه با سایر اجزای هویت باید بر صدر نشانند. دین بر تنظیم، متعادل‌سازی و اصلاح دیگر عناصر در احساس هویت و بازداري از افراط در احساس هویت صنفی، گروهی، خانوادگی، ملی، نژادی، و مانند آن تأکید تام می‌ورزد و همواره متذکر آدمی می‌شود تا از دام افراط و تعصب‌های جاهلانه نژادی، ملی و همانند آن بپرهیزد.» (جلیلی و ارجمندی، ۱۳۹۴، ۱۳). تخلق به اخلاق دینی برای انسان نه‌تنها به خودسازی و تهذیب درونی وی می‌انجامد، بلکه به اعتبار و مقبولیت و کسب احترام و جایگاه نیز در جامعه منجر می‌شود. برای بهره‌مندی از مزایای دینی و تعالیم راهگشای آن، مقنن می‌تواند ضمن کیفرگذاری، برنامه‌های مذهبی و دینی را چه به صورت مجزا و چه

ضمن کیفری دیگر مدنظر قرار دهد و به پیاده‌سازی آن در زندگی مجرم همت گمارد. در واقع این‌گونه برنامه‌ها طیف وسیعی داشته و تاب این را دارند که به صورت مختلفی در جنبه‌های متعدد زندگی مورد توجه قرار گیرند. «برنامه‌های ایمان محور شامل طیف نسبتاً وسیعی از برنامه‌های بازپروری می‌باشند که آموزش‌های مذهبی یکی از آن‌ها به شمار می‌رود. در این دسته از برنامه‌ها، بزهکاران با مجموعه‌ای از اصول و باورهای معنوی و عقیدتی که حاوی ارزش‌های صلح آمیز، مدارا، گذشت، صبر، تحمل تفاوت‌ها و ارزش‌هایی دیگر از این نوع می‌باشند، آشنا شده، ارتباط برقرار می‌کنند. آموزش‌های مذهبی از جمله مؤثرترین و ارزان‌ترین آموزش‌ها در برنامه‌های ایمان محور است. لیکن نکته اساسی در ارائه این آموزش‌ها آن است که باید حاوی ارزش‌های بنیادین مربوط به کرامت انسانی، مدارا، احترام و همزیستی مسالمت‌آمیز باشند زیرا در غیر این صورت ممکن است ایدئولوژی‌های سختگیرانه مذهبی، خود به یکی از عوامل مؤثر در بزهکاری تبدیل شوند.» (غلامی، ۱۳۹۶، ۲۰۷ و ۲۰۶).

در جرایم خانوادگی این تعالیم دینی و ارشادی از مطلوبیت بیشتری برخوردار است؛ چراکه بیشترین تأکید، توجه و اهمیت دین اسلام به مقوله خانواده بوده است و چه بسا الگوی خانواده موفق اسلامی در پناه رعایت دستورات دینی و اسلامی باشد. حال اگر در این خانواده، جرمی به وقوع پیوست و حسب مورد یکی از اعضای آن یا فردی بیگانه باعث وقوع آسیب و اختلاف گردید، همان تعالیم دینی و ارشادی بهترین پاسخ و عملکرد را برای مقابله با وی دارند. پاسخی که هم بازدارنده و هم اصلاح و درمانگر خواهد بود. به‌عنوان مثال نفقه، خود تأسیس برگرفته از شریعت اسلام است که به‌عنوان یکی از حقوق مالی در نظام خانواده تشریح گردیده است. حال رفتار مجرمانه ترک انفاق غالباً ممکن است از سوی افرادی اتفاق افتد که آشنایی و انس و الفتی با تعالیم دینی نداشته و آموزش‌های لازم را نیز ندیده‌اند. لذا اگر برنامه‌های ایمان محوری از جنس حقوق خانواده تعریف و تدوین گردند، به‌مراتب اثربخشی بیشتری برای پیشگیری، بازپذیری و اصلاح مجرمان در بر خواهند داشت.

۶-۲- کیفرگذاری نقش مدارانه در زندگی خانوادگی (توجه به نقش‌های مختلف اعضای خانواده)

نهاد خانواده بستری مناسب برای تعهد، نقش‌پذیری و مسئولیت جمعی اعضای آن در راه نیل به اهداف و آرمان‌های مدنظر خواهد بود. نقش‌های مختلف زن، شوهر، پدر، مادر و فرزندان از جمله مهم‌ترین این نقش‌ها بوده که در عین اهمیت، سازنده و بالنده انسان نیز به شمار می‌آیند. اگر زن و مردی قبل از عقد ازدواج صرفاً یک نقش عادی زنانه یا مردانه را ایفا می‌نمودند، با ورود به زندگی مشترک و قبول پیمان

ازدواج، در ابتدا نقش زن و شوهری را کسب می‌نمایند و متعاقب آن تعدادی حقوق و تکالیف نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند. با گذشت زمان و با تولد فرزند مشترک، محیط خانواده شاهد تغییر بزرگی می‌شود و به تناسب آن، نقش‌ها نیز بیشتر می‌گردند؛ پدر، مادر و فرزند یا فرزندان نقش‌های جدید پس از ورود فرزند به عرصه خانواده بوده که آن‌ها نیز حسب مورد از حقوق و تکالیف متعددی برخوردارند. اساساً «هنگامی که مردان و زنان، پدر و مادر می‌شوند نقش‌هایی می‌پذیرند که باید در کنار نقش‌های دیگرشان به ایفای آن‌ها نیز بپردازند. آنچه در این زمینه آشکارا دیده می‌شود، تفاوت‌های نقش بر پایه جنسیت در رابطه آنان با فرزندان است.» (سفیری و زارع، ۱۳۸۵، ۵۱). جرایمی که توسط قانون‌گذار در حوزه خانواده وضع گردیده‌اند نیز عموماً و به نحوی به نقش‌های مذکور مرتبط هستند؛ به‌طور مثال در جرم ترک انفاق، شوهر است که از پرداخت نفقه همسرش امتناع می‌کند، یا یک پدر از پرداخت نفقه فرزندان خودداری نموده و یا فرزندی است که خود صاحب درآمد و استقلال مالی بوده و به پدر و مادر خود رسیدگی ننموده و از تأمین نفقه آنان چشم‌پوشی می‌کند، در همه این موارد با نقش خاص مجرم به‌عنوان مرتکب جرم روبه‌رو هستیم، مثالی دیگر جرم تدلیس در ازدواج خواهد بود که به موجب قانون (ماده ۶۷۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵) صرفاً توسط زن و شوهر قابلیت ارتکاب دارد یا در جرایم دیگر در این حوزه به همین ترتیب شاهد پرننگ‌بودن نقش‌های خانوادگی افراد هستیم.

در کیفرگذاری هدفمند و غایت‌گرا، لزوم رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها بر کسی پوشیده نیست و در راستای فردی کردن کیفرها در مرحله تقنین، توجه به نقش‌های خانوادگی مجرمان رخ می‌نماید. لازم است برای اثربخشی بهتر کیفرها و نیل به اهداف مجازات در نظام عدالت کیفری، در جرایم خانوادگی، ابتدا به نقش مجرم در خانواده توجه و متناسب با آن مجازات مورد نظر تعیین گردد. به‌طور مثال اگر مجرم نقش پدری و شوهری را در خانواده دارد و از تأمین نفقه و معیشت خانواده خود امتناع می‌ورزد، کیفرگذاری برای وی می‌تواند در قالب همین نقش‌ها و در راستای درونی کردن وظایف و مسئولیت‌های وی صورت پذیرد؛ به‌عنوان نمونه وی را به تحمل یک دوره آموزش مهارت‌های زندگی و مدیریت خانواده (متناسب با نقش پدری و شوهری) محکوم نمود و یا وظایف و تکالیف شرعی و قانونی وی به‌عنوان پدر و شوهر خانواده پس از تفهیم به ایشان به‌طور کامل تحت نظارت قضایی قرار گرفته و وی ضمن رعایت و ایفای وظایف مذکور، ملزم می‌شود به صورت نوبه‌ای گزارشی از اقدامات خود به مرجع قضایی تسلیم نماید؛ در این صورت وی حتی اگر در گذشته سایر وظایف را به‌خوبی انجام نمی‌داد و یا اصلاً اهمتامی به انجام آن نداشت با ارتکاب

یک فقره جرم چون ترک انفاق، دیگر وظایف را نیز در کنار تأمین نفقه مهم دانسته و در این تکرار و تداوم، درونی‌سازی و آموزش اصولی وظایف و تکالیف نیز به‌خوبی رقم می‌خورد. لذا مقنن با عنایت به نقش‌های مختلف در خانواده و احصاء وظایف و تکالیف شرعی و قانونی آنان، می‌تواند با کیفرگذاری صحیح و متناسب، به بازپذیری، اصلاح و در کنار آن تقویت نهاد خانواده همت گمارد.

نتیجه

جرایم خانوادگی که به موجب فصل نوزدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و در موارد نسخ آن توسط قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند، عموماً به حقوق و تکالیف مقرر در این نهاد و یا حتی تمامیت و اساس نهاد خانواده لطمه وارد ساخته و آسیب‌های زیادی به دنبال دارند؛ ترک انفاق، عدم ثبت وقایع اساسی در خانواده، نکاح با زن شوهردار یا معتده، به نکاح درآوردن آنان توسط عاقد، ازدواج قبل از سن قانونی و تدلیس در نکاح از عناوین مجرمانه مذکور به شمار می‌آیند که مبتنی بر اهداف پیش گفته مورد احصاء قانون‌گذار قرار گرفته‌اند. با ملاحظه عنصر قانونی جرایم مذکور در قوانین موجود، آسیب‌های متعددی در مجازات این‌گونه جرایم قابل رویت است که نه تنها این‌گونه کیفرگذاری مؤثر نبوده بلکه به حفظ و ثبات خانواده نیز لطمه می‌رساند. به همین منظور در راستای حفظ و صیانت از نهاد خانواده در حوزه تقنین و به‌طور خاص در کیفرگذاری و پاسخ‌شناسی صحیح به جرایم ارتكابی در این حوزه، می‌بایست مقنن در مسیر رسیدن به وضع مطلوب راهکارهایی را پیاده‌سازی و عملیاتی نماید؛ الزام و تقید به حبس زدایی در جرایم خانوادگی، اولویت بخشی به مجازات‌های مالی، محوریت بخشی به آموزه‌های عدالت‌ترمیمی و اصل جبران ضرر و زیان، توجه به نقش دوره‌های مهارت‌های زندگی و تشکیل خانواده، تأکید به کسب اخلاق دینی و تعالیم ارشادی و عقیدتی و در آخر کیفرگذاری نقش مدارانه در زندگی خانوادگی از جمله مهم‌ترین راهکارهای تعریف شده در پژوهش حاضر به شمار می‌روند که برای نیل به وضع مطلوب به مقنن پیشنهاد گردیده‌اند. کاربست این راهکارها، مقنن را در مسیر نیل به اهداف جرم‌انگاری و اصول و اهداف مجازات یاری نموده و امید به تحقق اهداف بازپرورانه، اصلاح و درمان و در کنار آن پیشگیری از جرم را رهنمون می‌بخشد.

تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم

فارسی

- آقابابایی بنی، اسماعیل، ۱۳۹۷، ضرورت برگشت قانون به فقه در جرم ترک نفقه، **فصلنامه فقه**، شماره ۹۴.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۹، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، چاپ بیستم، تهران، نشر میزان.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، ۱۳۹۶، **درآمدی بر حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، ۱۳۹۸، **درآمدی بر حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
- امامی، محمدجعفر و آشتیانی، محمدرضا، ۱۳۸۷، **نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان**، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- جلیلی، عباس و ارجمندی، مونس، ۱۳۹۴، **بررسی نقش دین در هویت انسان**، مقاله ارائه شده در دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی، تهران.
- رضایی‌راد، عبدالحسین و صحرائشین سامانی، سهیلا، ۱۳۹۳، جرایم علیه خانواده، چالش‌ها و راهکارها، **نشریه دانش و پژوهش حقوقی**، شماره ۱.
- زهر، هوارد، ۱۳۸۳، **کتاب کوچک عدالت ترمیمی**، ترجمه دکتر حسین غلامی، تهران، انتشارات مجد.
- ساریخانی، عادل و سلطانی بهلولی، مریم، ۱۳۹۵، نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۹۴.
- سفیری، خدیجه و زارع، زهرا، ۱۳۸۵، احساس ناسازگاری میان نقش‌های اجتماعی و خانوادگی در زنان، **نشریه مطالعات زنان**، شماره ۱۱.
- سکوتی نسیمی، رضا، ۱۳۹۴، تأثیر تدلیس در نکاح و آثار آن، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر**، شماره ۱۱.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، ۱۳۹۵، **مختصر حقوق خانواده**، چاپ چهل و چهارم، تهران، نشر میزان.
- غلامی، حسین، ۱۳۹۱، اصل حداقل بودن حقوق جزا، **فصلنامه حقوق کیفری**، شماره ۲.
- غلامی، حسین، ۱۳۹۳، **عدالت ترمیمی**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.

- غلامی، حسین، ۱۳۹۶، **کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)**، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- قماش، سعید و عارفی، مرتضی، ۱۳۹۶، موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه **آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱۳.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، **دوره مقدماتی حقوق خانواده**، تهران، نشر میزان.
- کردنوقایی، رسول و شریفی، حسن پاشا، ۱۳۸۴، تهیه و تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دوره تحصیلی متوسطه، **فصلنامه نوآوری‌های آموزشی**، شماره ۱۲.
- کریمی، نسرين، ۱۳۹۸، جرم‌انگاری ترک انفاق در فقه و حقوق ایران با نگاهی به فقه اهل سنت، **نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۴۹.
- مجیدی بیدگلی، کبری و صفاکیش کاشانی، سمیه، ۱۳۸۶، آسیب‌های ناشی از مجازات زندان، **مجله حقوقی گواه**، شماره ۱۱.
- منصورآبادی، عباس، ۱۳۹۹، **مختصر حقوق جزای عمومی**، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد و مهرگان صومعه سرایی، بتول، ۱۳۹۶، بررسی حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین براساس مصلحت خانواده با رویکردی بر نظر امام خمینی (ره)، **نشریه پژوهشنامه متین**، شماره ۷۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۴، **تقریرات درس جرم‌شناسی (نظریه‌های جرم‌شناسی)**، تهیه و تنظیم، فاطمه قناد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

لاتین

- Becker, G. , 1968, Crime and punishment: An economic approach, Journal of political economy, NO 76.
- Cherry, Todd L. , 2001, Financial penalties as an alternatives criminal sanction: evidence from panel data, Atlantic economic journal, NO 18.
- Morrison, Wayhe, 1995, Theoretical criminology (from modernity to past modernism) , London and Sydney.

قوانین

- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
- کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵
- قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulia, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadegh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**